

واکاوی نقش و جایگاه آسیب‌شناسی و ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای در مطالعات

داخلی و خارجی^۱

مریم سجودی^{۱*}، کرامت الله زبیری^۲، احمد پور احمد^۲ و مجید یاسوری^۳

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

اطلاعات مقاله چکیده

در پژوهش حاضر دو مفهوم «آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌ها» و «ارائه الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای» در قالب (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) در سطح مطالعات داخلی و خارجی مورد شناسایی قرار گرفته است و اهم یافته‌ها، متغیرها و نقاط قوت و ضعف هر سطح از مطالعات استخراج شده‌اند. در این پژوهش از شیوه کیفی و روش (توصیفی - تحلیلی) بهره گرفته شده است و با توجه به اسناد کتابخانه‌ای، جهت جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و سپس از روش‌های تحلیل محتوا و تحلیل‌های اسنادی استفاده شده که نتایج نشان داد اهم متغیرهای مورد تأکید در مطالعات داخلی و خارجی شامل تحرک و توسعه‌ی در سامان‌دهی فضا، الگوی متمرکز و مشارکت حداقلی، مؤلفه‌های الگو (اصول، چارچوب، فرایند مدیریت الگو، پایش و ارزیابی)، هماهنگی در برنامه‌های توسعه و اقدامات توسعه‌ی شهری و منطقه‌ای، ایجاد مناطق مترقی، استفاده از زیر مناطق برای یکپارچه‌سازی، پشتیبانی از شهرها جهت شکوفایی پتانسیل آن‌ها، افزایش رقابت و... بوده است. مهم‌ترین نقاط قوت برآمده از مطالعات شامل ظرفیت نظریه‌سازی، فعالیت‌های بین‌رشته‌ای این حوزه، نزدیکی حوزه‌های فکری و اجرایی، طراحی نظام درآمد- هزینه‌ی استانی و تأکید بر اجرای آن، بهبود روند تعادل‌های بین استان‌ها در برخی از بخش‌ها و بالا بردن توان و ظرفیت رقابت‌پذیری نواحی وابسته و حوزه‌ی نفوذ و مهم‌ترین نقاط ضعف شامل فقدان یا کمبود فرهنگ برنامه‌ریزی، عدم پایبندی به اجرای طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای، نبود توافق ملی در زمینه توسعه‌ی کشور، تضاد بین برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نبود نهاد یا دستگاه اجرایی مشخص، مرتبط و مهم‌تر از همه پاسخ‌گو، نبود نظام اطلاعاتی و داده‌ای و بخشی‌نگری، ضعف و ناکارآمدی در اهداف برنامه‌ها، پراکندگی و فقدان وحدت رویه متدولوژیک، نظام برنامه‌ریزی برنامه‌ها، روند تصویب و نحوه‌ی اجرای برنامه‌ها، ایرادات مربوط به فرایند، محتوا و اجرای برنامه‌ها، نحوه‌ی نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها و... می‌باشد.

کلید واژه‌ها: واکاوی، آسیب‌شناسی، ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای، مطالعات داخلی و خارجی

دوره ۲، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۰
صص ۳۷-۱۷

mseiodi1@yahoo.com

* نویسنده مسول

ارجاع به این مقاله: سجودی، مریم؛ زبیری، کرامت‌الله؛ پور احمد، احمد و یاسوری، مجید. (۱۴۰۰). واکاوی نقش و جایگاه آسیب‌شناسی و

ارائه‌ی الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای در مطالعات داخلی و خارجی، فصلنامه چشم انداز مطالعات شهری و روستایی، ۲(۳)، ۱-۱۷

۱-مقاله‌ی حاضر مستخرج از رساله‌ی دکترای خانم مریم سجودی تحت عنوان «تبیین و ارائه الگوی توسعه‌ی یکپارچه منطقه‌ای شمال کشور (مطالعه‌ی موردی استان گیلان)» در دانشکده‌ی جغرافیای دانشگاه تهران می‌باشد.

مقدمه

مفاهیم مربوط به برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه‌ی پایدار و متوازن قرار گرفته است. همچنان‌که پورتر معتقد است: «گفتمان سیاست‌های اخیر غالباً بر پویایی توسعه‌ی منطقه استوار است. چراکه در جوامع در حال رشد محورهای توسعه و اقتصاد درهم‌آمیخته‌اند و اهمیت رقابت محلی به‌عنوان یک عامل اساسی رشد محسوب می‌شود» (Plummer et al, 2014: 2). نظر غالب امروز این است که توسعه‌ی منطقه‌ای با ظرفیت‌های درون‌زا ارتباط نزدیکی دارد و مناطق علاوه بر نیروهای بیرونی، در صورت استفاده از خصوصیات خاص و ظرفیت‌های درون‌زا و داخلی می‌تواند به پیشرفت بلندمدت دست یابد (463 Šabić, Vujadinović, 2017). در این راستا استراتژی یکپارچگی منطقه‌ای زمینه ایجاد شرایط بهتر جهت تحرک درزمینه‌ی کار و سرمایه و موجبات توسعه زیرساخت‌ها را فراهم می‌کند (Žymantas, 2014: 16). Svetikas). برخی صرفاً مفاهیم جغرافیایی و نهادهای اقتصادی شناخته‌شده را برای تعریف یک منطقه به کار می‌گیرند، درحالی‌که برخی بر اساس تعاریف صریح‌تری به تعریف منطقه می‌پردازند (Dawkins, 2003: 133). به‌رروی برنامه‌ریزی در این زمینه یک فرایند پیچیده است که می‌تواند فرم‌های بسیاری داشته باشد (2 Shapiro, 2001)؛ و اعتقاد بر این است که با توجه به مسائل و چالش‌های روزافزون جامعه‌ی امروز، نیاز بیش‌تری به برنامه‌ریزی منطقه‌ای بیش‌تر احساس می‌شود. سطح منطقه با ارائه‌ی بنیانی مناسب برای پیشرفت پایداری، نقش مرکزی را در یکپارچگی سرزمینی بازی می‌کند (Glasson & Marshall, 2007: 12). این سطح از برنامه‌ریزی و توسعه در راستای آن زمینه را برای تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی، محافظت و ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه، بهبود در وضعیت مسکن، حمل‌ونقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه‌ی زیرساخت‌ها، فراهم آوردن خدمات عمومی، راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین (Department for, 2008: 11). regional)، توجه به ساختار صنعتی، منابع انسانی، نوآوری و کیفیت محیط زندگی (Vrtěnová, 2009: 288). Sobotka, Malá). اصل درون‌زایی^۱، همراهی و همگامی کنشگران محلی و بومی (Stimson et al, 2002: 277)، به‌کارگیری پتانسیل‌های توسعه موجود در درون قلمرو (Vazquez-Barquero, 2002: 1)، مشارکت اجتماعات محلی در مدیریت و کنترل ابتکارات و توافق در مورد اهداف و استراتژی‌های توسعه‌ای و تکامل نهادها (Antonio Vazquez-Barquero et al, 2015: 2)، انعطاف‌پذیری منطقه و رفاه در درک چشم‌انداز وسیع‌تر، افزایش تولید سرانه از نظر بهبود رقابت (Thompson, Izushi, Huggins, 2013: 156) کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای با حمایت از ثروت و تولید فعالیت‌های اقتصادی در مناطق (Pessoa, 2008: 57). Economia)، کارآفرینی، دانش و ظرفیت نوآوری (Huggins et al, 2014: 259-259). فراهم می‌کند؛ بنابراین، ترکیبی از الگوی مدیریت برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، به‌خوبی قادر به ارائه الگوی خوب مدیریت برنامه‌های توسعه منطقه‌ای هستند (Ziari and Mohammadi, 2016: 21) به تعبیری الگوی توسعه منطقه‌ای تعیین‌شده نباید به‌طور مستقل از اصول و ارزش‌های اساسی‌تر مانند دموکراسی، عدالت و انترناسیونالیسم توسعه یابد، چراکه مفاهیم خاص محلی و منطقه‌ای از سؤالات هنجاری هستند و در شرایط خاص ملی و بین‌المللی در معرض عزم اجتماعی و انتخاب سیاسی قرار می‌گیرد (Pike et al, 2007: 1). حال از آنجایی‌که برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای در جست‌وجوی راهی برای نیل به توسعه فراگیر می‌باشد، لازم است تا ابتدا آسیب‌شناسی و به‌نقد کشیدن مطالعات پیشین مورد توجه باشد و سپس به ارائه الگوهای نوین و کارآمد پرداخته شود. درواقع آسیب‌شناسی و ارائه‌ی الگو دو بخش جدایی‌ناپذیر در این حوزه محسوب می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد درزمینه‌ی آسیب‌شناسی منطقه‌ای^۲

1 - Endogenous

2 - Regional pathology

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

به‌عنوان یکی از مفاهیم مورد تأکید پژوهش حاضر می‌توان گفت؛ برای شناخت عمیق ناپایداری‌ها و عدم توازن توسعه، رویکردهای نوینی وجود دارد که به‌عنوان چارچوب اندیشه‌ای و بستر ساز توسعه‌ی متوازن و پایدار محلی و منطقه‌ای عمل می‌کنند که ضمن به‌نقد کشیدن بسیاری از پارادایم‌های قبلی توسعه‌ی منطقه‌ای، مسیرهای تازه‌ای را در این زمینه معرفی می‌کند (نبی زاده شهری، ۱۳۹۴: ۱). در این نوع از رویکردها با جمع‌آوری و ترکیب اطلاعات از پژوهش‌های پیشین و با نظم دهی به ابعاد مختلف چالش‌ها و نقاط ضعف در سه سطح پیش‌نیازهای برنامه‌ریزی، فرایند برنامه‌ریزی و محتوای برنامه‌ها، مخاطبان را در درک و رفع آن‌ها یاری می‌کنند. دسته‌بندی منظم چالش‌ها نشان می‌دهد که وجود چالش مفهومی نسبت به توسعه متوازن، مشکل تعریف منطقه و توسعه منطقه‌ای، تخصیص منابع مالی و نظام برنامه‌ریزی متمرکز (مصطفوی ثانی و نعمتی، ۱۳۹۸: ۳۱)، وجود ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری و اجرایی، بی‌توجهی به روش‌های نوین توسعه‌ی منطقه‌ای همچون توسعه‌ی دانش، ارتقای یادگیری، توسعه‌ی اقتصاد اجتماعی و کارآفرینی در سطح محلی، نبود سازمانی در اشل منطقه‌ای، فراهم نشدن بسترهای مناسب برای حکمروایی منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین آسیب‌های فرایند توسعه منطقه‌ای در کشور است که همچنان به آسیب‌شناسی نیازمند است. همچنین الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای^۱ بر آن است تا بر اساس آنچه در مورد منطقه و توسعه‌ی منطقه‌ای بیان شد، با به‌کارگیری الگوهای توسعه‌ای و مدیریتی و بهره‌گیری مجموعه‌ای از عوامل، عناصر، نهادها و کنشگران به‌عنوان ابزار برای توسعه‌ی منطقه‌ای تلاش کند. تجربه‌های موفق در این رابطه در دنیا به وقوع پیوسته است که قطعاً هر توسعه‌ای از الگو و مدلی خاص تبعیت می‌کند، ولی همه‌ی الگوها برای همه‌ی کشورها مناسب نمی‌باشند و نمی‌توان در این خصوص نسخه واحدی پیچید؛ بنابراین در پژوهش حاضر واکاوی نقش و جایگاه مفاهیم «آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌ها» و «ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای» در سطح مطالعات داخلی و خارجی در بخش‌های (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) مورد توجه بوده است تا اهم یافته‌های مطالعات هر بخش و متغیرهای مورد تأکید آن‌ها و نقاط قوت و ضعف آن‌ها استخراج شوند.

مبانی نظری

نگاهی فضایی به پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر عقیده‌ی دانشمندان بر این بوده است که دیگر توسعه نمی‌تواند به‌تنهایی جواب‌گوی عصر حاضر و نسل آینده باشد. آن‌ها معتقدند که با توجه به اهمیت توسعه، بعضی از محورهای آن بدون توجه به اصول پایداری - مفهوم استمرار بدون از دست دادن، پروراندن و اجازه دادن به رشد و ترقی - قابل‌پذیرش و اجرا نخواهد بود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۹۱)؛ بدین ترتیب جنبش توسعه‌ی اجتماعی در خلال دهه‌ی ۱۹۵۰ به‌سرعت گسترش یافت. تا سال ۱۹۶۰ بیش از ۶۰ کشور در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین برنامه‌های توسعه‌ی جامعه‌ی ملی یا منطقه‌ای را در پیش گرفته بودند، اما تا اواسط دهه‌ی ۱۹۶۰ توسعه‌ی جامعه‌ای مورد بی‌توجهی سازمان‌های کمک به توسعه و حکومت‌های ملی قرار گرفت. از آنجاکه برنامه‌های توسعه بر اساس تعریف‌های کلاسیک و اولیه‌ی آن (تعریف‌هایی که فقط بعد اقتصادی را در برمی‌گرفت) دستاوردی را که از آن‌ها انتظار می‌رفت نداشت؛ یعنی رشد فزاینده‌ی مردم. بلکه سبب تقسیم شدن جهان به دو بخش دارا و ندار شد. کم‌کم جوانب دیگر توسعه از جمله جنبه‌ی اجتماعی آن مورد توجه محافل علمی قرار گرفت (کلانتری و گنجی، ۱۳۸۴: ۱۴۶) و از آنجایی که نتیجه‌ی منطقی رشد بخش نامتعادل، توسعه‌ی ناموزون جغرافیایی است، هیرشمن نیروهای تمرکز را روی هم‌رفته قطبش نام نهاد که بر اساس آن توسعه در مرکز، سرانجام به رشد مناطق عقب‌مانده کمک کرده، توسعه‌ی آن‌ها را به دنبال خواهد داشت (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۴). مابوگونج و میسرا نیز، نابرابری‌های منطقه‌ای را به تفاوت‌های موجود در بهره‌وری و ترتیبات نهادی نسبت داده و موضوع را در یک مدل به نام نظام توسعه‌ی منطقه‌ای شرح داده‌اند. در دیدگاه آنان توسعه‌ی نظام

¹- Optimal pattern of regional development

به توسعه‌ی مناسبات بین ارکان آن بستگی دارد و ضعف مناسبات، پخش تحولات مثبت و پیشرفت‌ها را در اجزای نظام با مشکل رو به رو می‌سازد. همچنین معتقدند که ساخت اجتماعی و توسعه‌ی منطقه‌ای باهم ارتباط مستقیم دارند (مابوگونج و میسرا، ۱۳۶۸: ۱۰۰-۹۵). به عبارتی برنامه‌ریزی در سطح منطقه می‌تواند شکاف میان برنامه‌ریزی در سطوح ملی و محلی را پر کند (زالی و منصوری بیرجندی، ۱۳۹۴: ۲۳۳). در این زمینه میردال نیز با تحلیل روند نابرابری‌های بین مناطقی یک کشور و تعمیم آن به کل کشورها، به این نتیجه رسیده که وجود ناپیوستگی در ساختار اجتماعی و اقتصادی، دارای آثار بازدارنده است و برقراری ارتباط بین مناطق را آشکار می‌سازد و یک زنجیره‌ی علت و معلولی، توسعه‌نیافتگی فضایی را تشدید می‌کند. ولی یکپارچگی بین مناطق و بخش‌های اقتصادی موجب می‌شود که فرایند (آثار انتشار) دارای توسعه در یک منطقه به مناطق دیگر سرایت کند (امکچی، ۱۳۶۴، به نقل از شیخی و شاهینوندی، ۱۳۹۱: ۳). در واقع از دلایل پیدایش سطح منطقه‌ای در برنامه‌ریزی را می‌توان در سوابق برنامه‌ریزی کشورهای جنوب و دلیل متفاوت در روی آوردن به سطح منطقه دانست. دلیل اول هنگامی است که برای تشدید رشد ملی و افزایش کار آیی اقتصاد برای بخشی از فضای کشور برنامه‌ریزی می‌شود. در این حالت گاه منابع طبیعی جدیدی و گاه تمرکززدایی و جلوگیری از اشباع فضای محدود توسعه‌ی کشور مورد نظر است. دلیل دوم هنگامی است که برای تحکیم وحدت ملی و تقویت عدالت اجتماعی به مناطق کشور توجه می‌شود. در این حالت نیز می‌توان به منابع جدید و تمرکززدایی تکیه داشت. لیکن تفاوت مهمی در استدلال اقتصادی برای دلیل اول (کارایی) با استدلال اجتماعی برای دلیل دوم (عدالت) وجود دارد؛ مشاهده عام وضع موجود گویای آن است که عدم عدالت فضایی^۱ در کشورهای «جنوب» بیش از کشورهای «شمال» بوده و البته این پرسش مطرح است که آیا رفع این عدم تعادل فضایی به کاهش نابرابری میان اقشار اجتماعی این مناطق خواهد انجامید یا خیر؟ باین‌همه در سابق ضرورت‌های عملی پیش از استنتاجات نظری باعث پیدایش برنامه‌ریزی منطقه‌ای شدند و اولین برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای برای رویارویی با گسترش افسارگسیخته شهرهای بزرگ و با تکیه بر بعد کالبدی (فیزیکی) برای تنظیم کاربری زمین فعالیت‌های رقیب در پیرامون آن‌ها آغاز شد. در پی آن شاهد برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای برای خودگردانی و حفظ ویژگی‌های منطقه‌ای با تکیه بر بعد فرهنگی و سیاسی (منطقه‌گرایی) بوده‌ایم و از سوی دیگر برای چاره‌جویی مناطق دچار رکود و یا عقب‌ماندگی نیز برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای با تکیه بر بعد اقتصادی - اجتماعی شکل گرفت. به عبارتی روی آوردن به برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، برآمده از هدف‌های کلانی است که به اشکال مختلف هر یک یا مجموعه‌ای از آن‌ها برای واحدهای فضایی کوچک‌تر از کشور (یک منطقه) مورد نظر قرار می‌گیرد (صرافی، ۱۳۷۹: ۸۸-۹۱).

روش پژوهش

انباشت دانش به مدد نتایج حاصل از پژوهش‌های علمی، ویژگی همیشگی دانش بشری بوده و دلیل این بحران بیش‌تر حجم زیاد و پراکندگی بیش‌ازحد انتشارات علمی، حتی در یک موقع خام و پرداختن به ابعاد گوناگون یک مسئله پژوهشی از منظرها و لنزهای مختلف است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹۴). کندو کار در پژوهش‌ها برای دست‌یافتن به نتایج مطمئن، رفع تناقضات موجود در انواع مطالعات و کشف شکاف‌های دانشی از بیش‌تر اهداف پژوهش علمی است (Koufogiannakis, 2012: 91). حال در رابطه با مدل یا الگوی استاندارد توسعه منطقه‌ای می‌توان گفت؛ اغلب کشورهای دنیا اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، برنامه‌هایی برای توسعه منطقه‌ای دارند و اگرچه تجربه‌های موفق در این رابطه در دنیا به وقوع پیوسته است، قطعاً هر توسعه‌ای از الگو و مدلی خاص تبعیت می‌کند و همه‌ی الگوها برای همه کشورها مناسب نمی‌باشند و نمی‌توان در این خصوص نسخه واحدی پیچید. بسته به نوع زیرساخت‌ها، شیوه‌های مدیریت متمرکز و یا منطقه‌ای، سیاست‌های صنعتی کشورها و خیلی از موارد دیگر الگوها نیز

¹- SpatialEquity

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

متنوع و متغیر است. در این پژوهش جهت بررسی دو مفهوم «آسیب شناسی طرح‌ها و برنامه‌ها» و «ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای» در قالب (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) در سطح مطالعات داخلی و خارجی از شیوه‌ی کیفی و روش (توصیفی - تحلیلی) بهره گرفته شده است و با توجه به ماهیت حاکم بر آن از تحلیل‌های کارکردی - مفهومی استفاده شده است. به این صورت که ابتدا با توجه به اسناد کتابخانه‌ای، جهت جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود اطلاعات و داده‌های موردنیاز در خصوص پژوهش جمع‌آوری شده است و سپس از روش‌های تحلیل محتوا و بهره‌گیری از تحلیل‌های اسنادی استفاده شده است و پس از رسیدن به اشباع نظری خروجی‌های مد نظر به دست آمده و نقاط قوت و ضعف استخراج شده است.

یافته‌ها و بحث

مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌ها و ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای

در این بخش سعی بر آن بوده است تا مجموعه مطالعات صورت گرفته در زمینه‌های «آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌ها» و «ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای» در قالب (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) در سطح مطالعات داخلی و خارجی مورد شناسایی قرار گیرند و اهم یافته‌های مطالعات هر بخش و متغیرهای مورد تأکید آن‌ها استخراج شوند.

جدول ۱. مروری بر مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته مرتبط با پژوهش

متغیرهای پژوهش	یافته‌های پژوهش و ارتباط موضوعی با رساله	تعداد	مطالعات داخلی و خارجی
-تحرك و توسعه در سامان‌دهی فضا - الگوی متمرکز و مشارکت حداقلی - مؤلفه‌های الگو (اصول، چارچوب، فرایند مدیریت الگو، پایش و ارزیابی) - هماهنگی در برنامه‌های توسعه و اقدامات توسعه‌ی شهری و منطقه‌ای - ایجاد مناطق متری از حیث: اقتصادی، اجتماعی، محیطی و... - استفاده از توان زیر مناطق برای یکپارچه‌سازی - پشتیبانی از شهرها جهت شکوفایی پتانسیل‌های آن‌ها - افزایش رقابت - بهبود سکونت - افزایش پایداری - افزایش کارایی - رشد پایدار اقتصادی	در نظر گرفتن مهم‌ترین مؤلفه‌های بنیادین برنامه‌ریزی، توجه بر توسعه و مدیریت منطقه‌ای مانند ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی موجود، مشارکت اجتماع‌های محلی و توجه مضاعف به زیر مناطق و توانمندسازی استعدادهای بالقوه آنان جهت واگذاری برخی از مسئولیت‌های شهر یا منطقه اصلی، تأکید بر ارتقای رقابت‌پذیری، تقویت بخش‌های اقتصادی و مالی، جمعیت و نیروی انسانی، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، بخش منابع، صنعت، خدمات و انرژی، توسعه‌ی فضای، رشد متوازن در سطح منطقه‌ای و بخشی، بهبود در وضعیت منابع بودجه، تلاش برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کارآفرینی، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های دولتی و خصوصی، باز توزیع مسئولیت‌ها، نگرش یکپارچه فضای در قالب شبکه منطقه‌ای (RNS)، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل‌ونقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، کنترل غلظت جمعیت، بررسی و ارائه الگوی مدیریت منطقه‌ای، قیاس تطبیقی الگوهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، توجه بر تحولات رخ داده در سیاست اجتماعی و ساختاری و توسعه منطقه‌ای، ارائه الگوی فضائی بهینه، تدوین مدل آینده‌نگاری و رویکردهای سناریو مبنا در تحلیل عدم تعادل‌های	کنفرانسی ۷۷ علمی ترویجی ۱۳ علمی پژوهشی ۹۱	فارسی انگلیسی
	۱۱۹		

	منطقه‌ای از اهم تأکیدات مقالات بوده است.			
طرح‌ها و گزارش‌ها	تأکید بر توزیع ملی منابع و امکانات در بین بخش‌ها و مناطق، هماهنگی بین جریان‌های برنامه‌ریزی، تدوین و مشارکت در پروگرام‌های بنیان ساز و فضا مینا، تلفیق رویکرد سرمایه‌گذاری یکپارچه سرزمین و رویکرد تناسب بین بخش و فضا، الزام به تفکیک اهداف سیاست‌گذاری (کلی، ویژه و...)، تدوین مؤلفه‌های اثربخش، کارایی و اجرا در ارزیابی سیاست‌های سرزمینی، آسیب‌شناسی عملکرد توسعه‌ی منطقه‌ای و ارائه‌ی توصیه‌های سیاستی، تأکید بر ظرفیت‌های نهادی و نقش سازمان همکاری‌های عمران منطقه‌ای در توسعه منطقه‌ای بخشی از نتایج حاصل از پژوهش‌ها می‌باشد.	۳۵	فارسی	
		۸۲	انگلیسی	
رساله	تأکید بر رهبری منطقه‌ای و الزامات فضایی آن در دستیابی به توسعه، تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای و عوامل مؤثر بر نابرابری‌های توسعه‌ی منطقه‌ای، بررسی و آسیب‌شناسی تحقق طرح‌های توسعه عمران ملی و منطقه‌ای، سنجش عوامل تعیین‌کننده مزیت‌های رقابتی در جهت دستیابی به توسعه‌ی منطقه‌ای، تأکید بر ساختار مدیریت شهری و منطقه‌ای ایران با رویکرد حکمروایی چند سطحی از مهم‌ترین تأکیدات مستخرج از پایان‌نامه‌ها بوده است.	۶۳	فارسی	
		۹۲	انگلیسی	
کتاب	نتایج پژوهش‌ها غالباً بر ضرورت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی یکپارچه و پیوند دوسویه و مکمل سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی با الزام به‌کارگیری تدابیر توسعه‌ای و توجه به ابعاد مختلف پایداری، تفاوت‌های فضایی، تحلیلی بر نابرابری منطقه‌ای متمرکز بوده‌اند.	۱۶۰	فارسی	
		۳۱۰	انگلیسی	

منبع: (نویسندگان، ۱۳۹۹)

همان‌گونه در جدول (۱) مشاهده می‌شود سعی بر آن بوده است تا مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته مرتبط با پژوهش موردتوجه قرار گیرد. در این زمینه تلاش شده است تا منابع مرتبط با موضوع پژوهش با حساسیت انتخاب شوند.

بدین ترتیب منابع فارسی و انگلیسی به‌طور مجزا در قالب مقالات، طرح‌ها و گزارش‌ها، رساله و کتب موردبررسی قرار گرفتند. در میان مقالات فارسی، به تفکیک مقالات کنفرانسی، علمی ترویجی و علمی پژوهشی بررسی شدند. از میان مقالات کنفرانسی که مرجع جست‌وجو بانک اطلاعاتی سیویلیکا بوده است، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۹، ۷۷ مقاله مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شد و ۱۳ مقاله علمی ترویجی از گروه‌های علمی مختلف مرتبط با توسعه‌ی منطقه‌ای، آسیب‌شناسی و ارائه الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای به چاپ رسیده است.

در بین مقالات علمی پژوهشی نیز ۹۱ مقاله چاپ‌شده مرتبط با موضوع پژوهش وجود داشت که با توجه به میان‌رشته‌ای بودن و امکان ورود مباحث برنامه‌ریزی و توسعه‌ی منطقه‌ای به برخی از شاخه‌های علمی دیگر، در بین مقالات علمی پژوهشی مرتبط با موضوع رساله ۲ مورد از گروه علوم سیاسی، ۷ مورد از گروه علوم اجتماعی، ۷۳ مورد

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

از گروه جغرافیا، ۳ مورد از گروه اقتصاد، ۳ مورد از گروه مدیریت و ۳ مورد از گروه معماری ارائه شده است. همان گونه که مشخص است بیشترین فراوانی مربوط به گروه جغرافیا بوده است.

در میان طرح‌ها و گزارش‌ها موجود در بعد از انقلاب که نظر به جایگاه و اهمیت رویکردهای توسعه منطقه‌ای در تحقق‌پذیری توسعه‌ی متوازن فضای ملی، در سال‌های اخیر مورد توجه همگان و به ویژه ارکان نظام قرار گرفته است، نیز ۳۵ مورد آن‌ها شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت.

همچنین در میان رساله‌های مقطع دکتری و پایان‌نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۹۹ به استناد پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، ۶۳ مورد مرتبط با موضع رساله حاضر شناسایی و بررسی شدند.

و نهایتاً در آخرین بخش از منابع فارسی که کتاب‌های مرتبط با موضوع رساله بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفت که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۶۰ کتاب مرتبط با این حوزه یافت شد.

همین روال در میان منابع خارجی نیز به کار گرفته شد که نتیجه به دست آمده به شرح زیر است:

از میان مقالات جست‌وجو شده در پایگاه‌های اسکوپوس، آی اس آی، اسکالر و غیره ۱۱۹ مورد آن‌ها با موضوع پژوهش ارتباط موضوعی داشته‌اند. در میان طرح‌ها، گزارش‌ها و اسناد قابل دسترسی نیز ۸۲ کار اتمام یافته مرتبط با مفاهیم بنیادی پژوهش شناسایی شدند. همچنین ۹۲ مورد از پایان‌نامه‌ها، تز و ایده‌های ارائه شده در این زمینه مورد شناسایی قرار گرفتند و نهایتاً در بخش کتب نیز ۳۱۰ مطالعه مرتبط با موضوع رساله شناسایی شد.

مروری برگزیده مطالعات مرتبط با موضوع رساله در بخش‌های (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب)

مطالعات داخلی و خارجی

در این بخش با توجه به آمار و اطلاعات ارائه شده در بخش پیش، به موارد منتخبی از هر کدام از بخش‌های چهارگانه (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) در مطالعات داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

مطالعات داخلی (مقاله، طرح، رساله، کتب):

- مقاله

زیاری و محمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیلی از ویژگی‌های مدیریت منطقه‌ای در ایران طی دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی (از ۱۲۸۶ تا ۱۳۹۴)» بر آن بوده‌اند سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران طی دهه‌های گذشته با مشکلات و مسائلی همراه بوده است که در مواردی به ناپایداری توسعه‌ی منطقه‌ای انجامیده است. در تبیین این مسئله به نبود مدیریت مطلوب و کارآمد توسعه‌ی منطقه‌ای تأکید شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در پیش از انقلاب اسلامی شدیداً متمرکز، دولت‌محور، غیر مشارکتی و متمرکز بر رشد اقتصادی و وابسته به درآمدهای نفتی بوده و نتوانسته است توسعه متعادل منطقه را به ارمغان بیاورد. در نتیجه اصلاح الگوی مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران ضروری است و به رغم شکل‌گیری نهارهایی همانند شوراهای اسلامی و شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه‌ی استان همچنان الگوی موجود مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای نیازمند اصلاح و بازبینی مطابق اهداف و سیاست‌های توسعه‌ی کشور است (زیاری و محمدی، ۱۳۹۴: ۷۳-۹۸). همچنین زیاری و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «آسیب‌شناسی مدیریت برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران و انتخاب الگوی مدیریت بهینه» که هدف اصلی آن آسیب‌شناسی الگوی مدیریت برنامه‌های منطقه‌ای با استفاده از اسناد، زمینه‌ها و روش‌های تحقیق تحلیلی بوده است؛ بیان داشته‌اند از مهم‌ترین برنامه‌ها در زمینه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران که پس از انقلاب اسلامی تهیه شده و روند آماده‌سازی آن‌ها ادامه دارد، برنامه‌های توسعه‌ی استان و دولت مکان‌مند (وابسته به مکان) است (زیاری، محمدی، ۱۳۹۲: ۶۷-۸۸). وثوقی لنگ و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود تحت عنوان «تدوین استراتژی‌های برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای با استفاده از مدل

SWOT نمونه موردی استان گیلان»، برنامه‌ریزی استراتژیک را یکی از رویکردهای جدید در برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای دانسته‌اند که با تفکر استراتژیک به‌صورت فرایندی به تحلیل محیط داخلی و خارجی جهت تعیین راهبردهای توسعه‌ی منطقه‌ای می‌پردازد. استان گیلان در طی دهه‌های گذشته از لحاظ تدوین و نگرش به توسعه با چالش‌های اساسی چون نزول جایگاه استان گیلان در نظام توسعه‌ی ملی و تثبیت الگوی مرکز-پیرامون در سطح داخلی مواجه بوده است. در این مقاله برای تعیین مسائل استراتژیک منطقه‌ای از رویکرد مستقیم استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بهترین راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای گیلان راهبرد اقتضایی-تنوعی (ST) است. با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (QSPM)، سه استراتژی برتر شامل: SO - توسعه و تنوع‌بخشی به کشاورزی، گردشگری و ارائه خدمات منطقه‌ای با میانگین امتیاز (نمره جذابیت) ۹/۰۴۹، ۲: SO - برنامه‌ریزی توسعه فضایی مبتنی بر طرح آمایش استان با میانگین امتیاز ۹/۰۴، ۳: SO - توسعه صنایع تخصصی با قابلیت بازاریابی ملی و منطقه‌ای خزر با میانگین ۸/۸۹ جهت توسعه‌ی منطقه‌ای گیلان پیشنهاد شده است (وئوقی لنگ و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵۵).

- طرح و گزارش

در سند راهبردی توسعه‌ی منطقه‌ای در برنامه‌ی ششم توسعه‌ی کشور؛ اشاره شده است که برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای دستیابی به توسعه‌ی منطقه‌ای از اهمیت دوچندانی برخوردار است، چراکه توانمندی، پتانسیل، محدودیت و نیازهای مناطق از یکدیگر متفاوت بوده و آن‌ها از حیث سطح توسعه‌یافتگی نیز همگن نیستند. در واقع عدم تطابق کامل موقعیت و اهداف کلان ملی با اهداف منطقه‌ای و همچنین متفاوت بودن مسائل مناطق با یکدیگر توجه به توسعه منطقه‌ای را مورد تأیید قرار می‌دهد. ضمن این‌که توسعه منطقه‌ای را می‌توان حلقه‌ی اتصال توسعه در سطوح ملی و ناحیه‌ای - محلی تلقی کرد. واقعیت این است که توسعه راستین در روند مشارکت فراگیر مناطق برنامه‌ریزی (استان‌ها) به‌عنوان واحدهای عملکردی - فضایی در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های آن‌ها در تحقق اهداف چشم‌انداز توسعه‌ی کشور است آنچه را که سبب بی‌توجهی به انجام وظایف و مأموریت‌های استان می‌شود کنار ماندن مناطق وعدم توجه به نگرش توسعه منطقه‌ای از جریان توسعه می‌باشد؛ در این راستا، توسعه‌ی منطقه‌ای با این منطق تأکید دارد که برنامه‌ریزی بخشی به‌منظور تأمین حداکثر سود و حداقل زیان جامعه می‌باید اثرات فضایی و منطق‌های را نیز در نظر بگیرد و اضافه بر آن با تحلیل ساختار فضایی موجود متقابلاً مشروط کننده‌های برنامه‌ریزی بخشی و تحولات آتی را بشناسد تا سرانجام طرح سازمان فضایی بهینه برای مجموعه بخش‌های اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی بر بستر فضا و منطقه به دست آید. به هر صورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نتیجه‌ی آن یعنی توسعه منطقه‌ای ماحصل منطقه‌ای کردن برنامه ملی نمی‌باشد بلکه با شناخت نیازها، توان‌ها و تنگناهای ویژه‌ی هر منطقه خود موزای یکی بر نقش ملی می‌افزاید و رابطه‌ای دوطرفه برقرار می‌سازد. برنامه‌ریزی منطقه‌ای منفعلانه به مزیت نسبی از دید اقتصاد ملی و شرکت در تقسیم کار جهانی نمی‌پردازد بلکه به مزیت‌های موردنظر ساکنین منطقه و در خدمت اقتصاد منطقه اولویت می‌دهد (سند راهبردی آمایش و توسعه‌ی منطقه‌ای در برنامه‌ی ششم کشور، ۱۳۹۴).

در طرح مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (فرا تحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران)، بر اساس مطالعات انجام‌شده، مشاهده می‌شود در اغلب موارد در فرایند رشد نامتوازن به دلیل عدم وجود اثر انتشار لازم در کنار معدود مراکز رشد، نواحی وسیعی به‌صورت توسعه‌نیافته باقی می‌مانند و این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز بروز دوگانگی اقتصادی و اجتماعی گردد. از منظر اقتصادی مسئله دوگانگی موجب تمرکز عوامل تولید در مناطق مدرن شده و از منظر اجتماعی نیز به دلیل تفاوت در سطح زندگی سبب تسریع و تشدید روند مهاجرت به سمت مناطق توسعه‌یافته می‌گردد. همچنین کشور ایران به‌واسطه گستره جغرافیایی وسیع، تنوع آب و هوایی، اقتصاد تک‌محصولی عمدتاً بر پایه نفت و گاز شکل گرفته است، تنوع قومیتی و برخورداری از جمعیت بالا، پتانسیل زیادی برای شکل‌گیری نابرابری‌های منطقه‌ای دارد، لذا توجه به مناطق و توسعه منطقه‌ای در نظام بودجه‌ریزی سالیانه و

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب مدّ نظر قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که میزان و درجه اهمیت مناطق و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ی پیشین از وزن متفاوتی برخوردار بوده است مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (فرا تحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران، ۱۳۹۳).

- رساله

قادری (۱۳۹۵) در رساله‌ی دکتری خود تحت عنوان «تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای در ایران با تأکید بر کلان منطقه ساحلی شمالی» بیان داشته است؛ در ایران توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی جغرافیایی کشور در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت شدیدی را در روند توسعه آشکار ساخته است. در این پژوهش با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایشی داده‌ها جمع‌آوری و با ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی، تحلیل موردنظر انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات با روش اسنادی، پرسش‌نامه و تکنیک‌های دلفی انجام شده است، سپس در مرحله دوم دلفی، با کسب نظر اساتید، صاحب‌نظران و مسئولان و متولیان منطقه‌ی مورد مطالعه و روش تأثیرات متقابل، بررسی میزان تأثیر عوامل بر همدیگر در نابرابری‌های منطقه‌ای منطقه‌ی ساحلی شمال تکمیل گردید. در مرحله نهایی نیز با بهره‌گیری از تکنیک‌های تحلیلی و نرم‌افزار میک‌مک، عوامل مؤثر در ایجاد نابرابری‌های منطقه ساحلی شمال مورد بررسی قرار گرفت و با تحلیل میزان تأثیر متغیرهای مؤثر در ایجاد عدم تعادل‌های منطقه‌ای، عوامل کلیدی شناسایی و در نهایت راهکارهای مناسب در کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای منطقه‌ی ساحلی شمال ارائه گردید (قادری، ۱۳۹۵: ۸۵). رستمی قادی (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود تحت عنوان «بررسی و آسیب‌شناسی تحقق طرح‌های توسعه عمران ملی و منطقه‌ای ایران منطقه ساحل شمالی در بازه‌ی زمانی دهه ۵۰ الی ۹۰» بیان داشته است در ایران برنامه‌های توسعه همواره به دلایل مشکلاتی که وجود داشته به‌طور مؤثری محقق نشده است. از جمله آن‌ها طرح‌های توسعه عمران ملی و منطقه‌ای است که در منطقه ساحل شمالی در بازه زمانی دهه‌ی ۵۰ الی ۹۰ تهیه شدند. این مشکلات در زمینه‌های مختلفی اعم از محتوا، مراحل تهیه، اجرا و نظارت وجود دارد که لازم است آسیب‌شناسی جدید در این زمینه صورت گرفته و ایرادات حاکم بر فرایندهای اجرایی شدن آن‌ها، برای تقویت تحقق‌پذیری برنامه‌ها، اصلاح گردد. نتایج پژوهش در پنج حوزه شامل عمده‌ترین مسائل و مشکلات بر سر عدم تحقق‌پذیری، مناسب‌ترین نحوه‌ی مواجهه با مسائل، متدولوژی بهینه به‌منظور تهیه، نحوه‌ی انطباق فرایند بهینه برنامه‌ریزی و آینده فضایی مناطق شمالی ایران ارائه شد (رستمی قادی، ۱۳۹۸: ۵۵). تمامی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «عوامل مؤثر بر نابرابری‌های توسعه‌ی منطقه‌ای استان‌های ایران» بیان کرده است به‌طور کلی عوامل گوناگونی از جمله عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نابرابری‌های منطقه‌ای ایجاد نموده و آن را تشدید می‌نمایند. به همین دلیل همه کشورها سعی در کاهش نابرابری‌های موجود دارند و در این راستا اکثر کشورهای جهان سوم که طی ۵۰ سال اخیر عرصه کاربست انواع الگوهای توسعه و نوسازی بوده‌اند، کوشیده‌اند تا از طریق اجرای برنامه‌های توسعه نابرابری‌های سرزمین خود را کاهش دهند، اما در بسیاری از راهبردهای تجربه‌شده در کشورهای جهان سوم که به‌نوعی برگرفته از کشورهای غربی و غافل از زمینه‌ها و ساختارهای درون این کشورها بوده شکاف طبقاتی را شدیدتر و عمیق‌تر ساخته‌اند؛ بنابراین توسعه در یک منطقه به‌خودی‌خود منجر به پیشرفت یک منطقه نمی‌شود بلکه ممکن است پیامدهای منفی را به همراه آورد که شاید پیامدهای مثبت آن را خنثی کند و نابرابری‌های از جمله نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین نابرابری در فرصت‌ها را پدید آورد (تمامی، ۱۳۹۵: ۴۸).

- کتب

در کتاب «اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای» نوشته دکتر کرامت الله زیاری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و در نتیجه برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی به‌مثابه ابزاری برای اصلاح و آرایش فضایی اقتصاد ملی و منطقه‌ای معرفی شده است تا با بررسی و مطالعه خصوصیات و ویژگی‌های کل فضای ملی و بازیافت استعدادها و قابلیت‌ها در

گوشه‌های مختلف آن، راه‌حلی برای ایجاد پراکندگی و عدم تمرکز در قالب الگوهای توسعه در جوامع بشری ارائه نماید. این کتاب در پنج فصل شامل: سابقه، تعاریف مفاهیم و انواع برنامه‌ریزی؛ منطقه و روش‌های تعیین آن؛ فنون برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛ روش‌های برنامه‌ریزی و تحلیل منطقه‌ای و نهایتاً برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران تهیه‌شده است و به توضیح و تشریح موارد فوق پرداخته‌شده است (زیاری ۱۳۸۸: ۵۸). در کتاب «مدیریت توسعه منطقه‌ای با تأکید بر ایران» که توسط دکتر کرامت‌الله زیاری و علیرضا محمدی تهیه‌شده است؛ آمده است که تحقق اهداف توسعه پایدار منطقه‌ای مستلزم ایجاد بسترهای قانونی، ساختار نهادی و ابزارهای مناسب مدیریتی توسعه منطقه‌ای است، اما توافق گسترده‌ای بین پژوهش‌گران و صاحب‌نظران حوزه‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران وجود دارد که الگوی موجود مدیریتی توسعه منطقه‌ای در کشور طی دو دهه گذشته الگوی مناسبی نبوده است. بر اساس نتایج پژوهش‌ها و اسناد و شواهد موجود، باوجود کاهش نسبی فقر در بین و درون مناطق کشور، شکاف و فاصله بین سکونت‌گاه‌ها و نواحی برخوردار با سکونت‌گاه‌ها و نواحی محروم بیشتر شده است. همچنین مناطق با ناپایداری توسعه مواجه شده‌اند که بخشی از این مسئله به دلیل ناکارآمدی و ناپایداری الگوی مدیریتی در ایران بوده است. لذا هدف اصلی این کتاب پیرامون مدیریت توسعه منطقه‌ای، شناخت و آسیب‌شناسی الگوی مدیریتی توسعه منطقه‌ای در ایران بوده است (زیاری و محمدی، ۱۳۹۶: ۵۸). در کتاب «مبانی و اصول برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای» نوشته‌ی دکتر غلامرضا لطیفی، بیان‌شده است که از عوامل اولیه ایجاد فکر برای برنامه‌ریزی وجود بحران‌ها و کمبودها و رسیدن به اهداف مشخص و معین می‌باشد. همان‌گونه که در کشورهای اروپایی و آمریکا برنامه‌ریزی اقتصادی زاده رکود بزرگ (Great Depression) بود. این کتاب به‌طور اختصار برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی را از دیدگاه‌های مختلف موردبررسی قرار داده است و تأکید دارد که همیشه باید شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها را در نظر داشت، چراکه بدون در نظر گرفتن فاکتورهای فوق برنامه‌ریزی چیزی بیش از یک سراب نخواهد بود (لطیفی، ۱۳۹۱: ۵۷).

مطالعات خارجی (مقاله، طرح، رساله، کتب):

- مقاله

دانفورد در مقاله‌ی «مدل‌های توسعه منطقه‌ای» تأکید می‌کند مدل‌های توسعه‌ی منطقه‌ای به‌عنوان یک کل تجزیه‌وتحلیل طیف وسیعی از نیروهای گریز از مرکز را تحمل می‌کنند و توسعه‌ی نسبی بستگی به وزن نسبی این دو مجموعه نیرو دارد. همچنین بر این واقعیت تأکید می‌شود که توسعه‌ی منطقه‌ای از لحاظ شخصیتی به‌صورت دیالکتیکی / تجمعی است زیرا عواقب آن علل و علل و عواقب آن هستند: آنچه در یک مقطع زمانی اتفاق می‌افتد تا حدودی نتیجه‌ی آن است از آنچه قبلاً اتفاق افتاده است. با توجه به این مشاهدات، یک بررسی تاریخی از مدل‌های غالباً رقیب مطرح‌شده ارائه می‌دهد. پس از ارائه‌ی گزارشی از مدل‌های نئوکلاسیکی همگرایی منطقه‌ای و الگوهای مرتبط با نوسازی و مراحل توسعه، به مدل‌های توسعه‌ی ناهموار، از جمله تئوری‌های علیت دایره‌ای و تجمعی، وابستگی و تبادل نابرابر و نگرانی‌های مرتبط با شایستگی‌های نسبی توسعه‌ی برون‌زا و درون‌زا توجه شده است. تعدادی از این ایده‌ها در مدل‌های جدید رشد درون‌زا در کنار برخی از ایده‌های اصلی توسعه‌یافته در جغرافیای اقتصادی جدید نیز موردتوجه قرار گرفته است که هدف آن‌ها توضیح غلظت جغرافیایی مردم و فعالیت‌های اقتصادی و نیروهایی است که جغرافیای موقوفات منابع را شکل می‌دهد (Dunford, 2009: 192). نیل (۲۰۰۵)^۱ راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) را یکی از چارچوب‌های برنامه‌ریزی با رویکرد استراتژیک می‌داند که در سال‌های اخیر در بخش‌های مختلفی از کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا مورد استفاده قرار گرفته است. وی با استناد به مطالعات موردی، طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های خوبی که بر پایه و اساس این دستورالعمل به‌دست‌آمده‌اند را نام می‌برد. بدین ترتیب عناصر حیاتی یک RDS خوب را در این موارد می‌داند: سازمانی که زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن جداسازی و تفکیک‌شده باشند،

^۱- Neil

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

یک چشم‌انداز که به‌طور گسترده‌ای برای توسعه آینده مشترکی برای منطقه ایجاد کرده است؛ در طول دوره‌ی تدوین، این استراتژی در شیوه‌ی آزاد و مولد سهام‌داران را درگیر می‌کند، ارتباط پیام‌های کلیدی آن به‌وضوح به انواع مخاطبان منتقل می‌شود؛ شناسایی مکانیسم‌های روشن برای انتقال، شامل مراحل و توالی سرمایه‌گذاری‌های کلیدی و اقدامات و نهایتاً یک چارچوب ساده اما مؤثر برای نظارت برقرار می‌کند (Neil, 2005). توره و والت در مقاله خود تحت عنوان «توسعه‌ی منطقه‌ای در مناطق روستایی، ابزارهای آنالیز و سیاست‌های عمومی، خلاصه‌ای بر علوم منطقه‌ای» پیامدهای چارچوب‌های نظری اصلی بر علم منطقه را از نظر طراحی سیاست منطقه‌ای موردبررسی قرار می‌دهند. در ابتدا این فرضیه ارائه شده است که پویایی اقتصادی در درازمدت منجر به وضعیت رشد متوازن بین سرزمین‌ها خواهد شد و بنابراین مداخلات سیاست‌های عمومی باید تا حد ممکن محدود باشند. دوم این‌که به سیاست‌های تنظیم‌شده برای پاسخ به چالش‌های مرتبط با پدیده‌ی قطبی شدن و ماهیت نامتوازن رشد در سرزمین‌ها، توجه شده است. ثالث، معتقدند که ما امروزه بر سیاست‌های منطقه‌ای - که امروزه کاملاً غالب هستند - متمرکز هستیم که به دنبال تحریک نوآوری هستند و به‌عنوان عامل اصلی رشد در نظر گرفته می‌شوند (Torre, Wallet, 2016).

- طرح و گزارش

ماستالکادر پژوهش خود که طی دوره‌ای برای دانشجویانی در نظر گرفته شده است که می‌خواهند با اصول سیاست‌های منطقه‌ای معاصر آشنا شوند، بیان می‌دارد که علم منطقه‌ای طی صدسال گذشته دوره‌های بسیار جالبی را پشت سر گذاشته است و همچنان به‌عنوان یک رشته علمی جوان، پیشرفت بسیار شدیدی را پشت سر می‌گذارد. در این دوره، اندیشه‌ای ارائه می‌شود که منجر به ظهور سیاست‌های منطقه‌ای در تاریخ شده است که در تأثیر سیاست‌ها به مناطق و افراد ساکن مناطق خلاصه خواهد شد. از آنجاکه تاریخ نقش اساسی در سیاست‌های منطقه‌ای معاصر دارد، دانش پژوهان می‌توانند ریشه‌های استراتژی‌های منطقه‌ای و سایر اسناد توسعه را درک کنند و مزایا و معایب احتمالی اقدامات انجام‌شده توسط اتحادیه اروپا، ایالتی و دولت‌های محلی را درک کنند (Mastalka, 2014). طرح سیاست منطقه‌ای کنونی در استونی که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده منجر به «برنامه‌ی بهبود رقابت منطقه‌ای» و به‌طور عمده در توسعه گردشگری در تمرکز مناطق و محلات، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از حداکثر استفاده از پتانسیل توسعه‌ی محلی و توسعه‌ی مزیت‌های رقابتی خاص مناطق شده است، مؤثر بوده است. منطق سیاست‌های منطقه‌ای است و بر این فرض مبتنی است که شرایط زیرساخت‌های فنی و اجتماعی منطقه یکی از عوامل اصلی شکل دادن به کیفیت زندگی هستند. همچنین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در سیاست منطقه‌ای استونی شامل: توجه به‌عنوان تنگناها در طرح توسعه محلی؛ به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جداشده)؛ کمک آشکارا به توسعه اقتصادی اجتماعی؛ آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت‌های حمل‌ونقل محلی و زیرساخت‌های فنی شهرداری، گردشگری محلی و تفریحی و استفاده مجدد از املاک ... می‌باشد (DEIA, 2007). طرح استراتژی توسعه برای منطقه موراویا جنوبی (DSSMR) یک سند برنامه‌ریزی است که رویکرد آن به سمت کسب حمایت برای توسعه منطقه برای یک افق زمانی طولانی‌تر می‌باشد. اهداف استراتژیک آن؛ توسعه منطقه را به‌عنوان یک کلو سایر اجزای عملکردی آن و اقدامات مهم که باید به تحقق اهداف منجر شود را مشخص می‌کند. می‌توان گفت سند برنامه اصلی تحت عنوان «استراتژی توسعه برای منطقه برنو» در سال ۱۹۹۹ نوشته شده بود که تا آن زمان ایجاد نگردید و سازمان‌های منطقه‌ای خود را هنوز انتخاب نکرده بود. در واقع بخش مهمی از استراتژی برای توسعه منطقه‌ای خلاصه‌ای از چارچوب مالی برای منطقه‌ای موراویا جنوبی می‌باشد (Garep & Vysoké, 2007). در طرح استراتژی توسعه منطقه‌ای کردستان عراق، هدف از ایجاد تفکر استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) این بوده است که این امر نتیجه تلاش دولت برای به دست گرفتن فرصت‌های جدید برای

بهبود زندگی مردم منطقه و زیرساخت‌های کردستان شده است. توسعه‌ی اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش درآمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و... نمونه‌هایی از آن بوده‌اند. در پرتو پیشرفت‌های رخ داده در منطقه‌ی کردستان، وزارت برنامه‌ریزی حکومت کردستان (MOP)، اتخاذ یک رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک به‌منظور افزایش فرایند توسعه را طی برنامه‌ای پنج‌ساله که مرجع برای تمام پروژه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری آینده است را در نظر گرفت. در این طرح راهبردی، از تجربیات موفق تعدادی کشور در سراسر جهان بهره برده شده است که نهایتاً این طرح توسعه استراتژیک را مرتبط به هم معرفی نموده‌اند؛ که شامل تمام بخش‌های اقتصاد و نیاز به حضور اجتماعی مردم در آن لحاظ شده است. مراحل راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای (RDS) در منطقه‌ی کردستان به شکلی جامع و فراگیر در ۱۴ بخش شامل: اقتصاد کلان، بخش مالی، جمعیت و نیروی انسانی، بخش کشاورزی و منابع آب، صنعت، بخش انرژی، زیرساخت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ابعاد اجتماعی، توسعه‌ی فضایی و پایداری زیست‌محیطی، حکمروایی خوب و بخش خصوصی بوده است که در هر بخش اهداف RDS به‌طور مجزا برای همان بخش تدوین گردیده است که بخش‌هایی چون (چالش‌های استراتژیک، روند آینده، چشم‌انداز، مأموریت، اهداف RDS، نظارت و ارزیابی استراتژیک، شاخص دستاورد هدف، شاخص‌های نظارت دستاورد اهداف) در تمام بخش‌ها موردبررسی قرار گرفته است و برخی از بخش‌ها با توجه به اهمیت بیش‌ترشان از جنبه‌های بیش‌تری موردتوجه قرار گرفته‌اند (Kurdistan Regional Government Ministry of Planning, 2011).

- رساله

هلن لوندبرگ در رساله‌ی خود تحت عنوان «اثرات نزدیکی جغرافیایی و شبکه‌های استراتژیک منطقه‌ای» بر شبکه‌های استراتژیک منطقه‌ای (RSN) متمرکز شده است. RSN به‌عنوان ابزاری برای توسعه‌ی منطقه‌ای باهدف تقویت روابط منطقه‌ای- توسعه و شبکه‌سازی با تشکیل گروه‌های منطقه‌ای از بازیگران استفاده می‌کند. این پایان‌نامه باهدف روشن شدن ماهیت RSN و ارزش نزدیکی جغرافیایی از نظر نظری و عملی صورت گرفته است. تئوری‌های مربوط به تأثیر نزدیکی جغرافیایی، تراکم منطقه‌ای و شبکه ارائه شده است و کاربرد احتمالی آن‌ها در RSN موردبررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که چنین روابطی امکان یادگیری متقابل و تبادل اطلاعات را فراهم می‌آورد و همچنین به این معنی است که برای چندین شرکت‌کننده افق بنگاه‌ها گسترش یافته و مواضع آن‌ها تغییر می‌یابد. علاوه بر این، بازاریابی داخلی فرصت‌های آموزش، در کنار یارانه‌های مالی، چندین شرکت‌کننده را که در برنامه‌های آموزشی در موضوعات شرکت می‌کردند، جذب کرد که در غیر این صورت وقت زیادی را برای این‌ها اختصاص نمی‌دادند (Lindbergh, 2008). احمد در رساله خود تحت عنوان «نقش سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای در توسعه اقتصادی محلی: پرونده آریایید عربستان سعودی» دامنه‌ی مطالعه خود را سطح منطقه به‌عنوان واسطه‌ای که می‌تواند تحقق توسعه را تسهیل کند و به‌عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی توسعه ملی برای رسیدن به محلات مورد هدف قرار دهد، در نظر گرفته است. هدف از این تحقیق ارائه توصیه‌هایی در زمینه‌ی بهینه‌سازی ابزارهای منطقه‌ای برای تخصیص مکانی منابع توسعه در عربستان سعودی بوده است. این مطالعه در شرایطی که یک سیستم برنامه‌ریزی مرکزی در یک ساختار حاکمیتی سازمان‌دهی شده است و نقش اساسی در پیشرفت توسعه‌ی اقتصادی و اقتصادی را به نهادهای منطقه‌ای واگذار می‌کند صورت گرفته است. این مطالعه در مورد عدم وجود نقش فعال در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که قرار است سیاست‌های ملی را تکمیل کند که تحقق آن به تحقیقات گسترده در مورد نقش مداخلات سطح منطقه در تسهیل توسعه محلی دارد. مطالعات فکری انجام شده مبتنی بر تئوری‌های توسعه‌ی منطقه‌ای و همچنین برنامه‌ریزی و سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای است که توانسته است چارچوب مفهومی را برای تحقیق تدوین نماید که بر ضرورت تفصیل تحقیق درباره‌ی توسعه‌ی منطقه‌ای فراگیر و بازتاب شرایط واقعی محلی تأکید دارد و شامل تعیین فاکتورهایی برای تولید اقتصاد محلی و بستری است که فرآیندهای توسعه روی آن انجام می‌شود تا بتوانند نتایج توسعه اقتصادی به همه فضاها و استفاده از همه بخش‌ها برسد که از مهم طریق سیستم

واکاو نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

حاکمیتی اتفاق می افتد. نهایتاً نتایج به دست آمده حاکی از عدم انسجام در سیستم حاکمیتی است که منجر به فروپاشی شبکه‌ی نهادی در کشور شده است. به نظر می رسد ساختار حکومت فاقد توزیع متوازن از نظر اداری و مالی است. همچنین توسعه منابع انسانی به شکلی که منعکس کننده نیازهای واقعی و نتایج در نظر گرفته شده باشد نادیده گرفته می شود؛ بنابراین، این تحقیق لزوم دستیابی به یک شکل منسجم تر در هر سطح مکانی و ساختار حکومتی موجود بین سطوح مختلف مکانی را تأیید می کند، در حالی که با سیستم سیاسی سازگار است (Ahmed, 2013).

- کتب

کتاب «نظریه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای» نوشته بنجامین هیگینز و دونالد ساویه؛ اشاره می کند که طراحی سیاست برای تضمین عملکرد خوب اقتصاد ملی هم درگرو درک جامعی از رفتار اقتصادهای منطقه‌ای است که بخشی از اقتصاد ملی را شکل می دهند و هم وابسته به صورت سیاست‌هایی برای هر منطقه بر پایه همین درک. این کتاب مجموعه کاملی از نظریه‌های اصلی توسعه‌ی منطقه‌ای را معرفی می کند و به تحلیل نقادانه آن می پردازد و معتقد است نظریه‌های توسعه منطقه‌ای می تواند به شناخت اندیشه توسعه‌ی اقتصادی و ارتباط آن با توسعه‌ی منطقه‌ای کمک کند. طراحی سیاست برای تضمین عملکرد خوب اقتصاد ملی، درگرو درک جامعی از رفتار اقتصادهای منطقه‌ای است که بخشی از اقتصاد ملی را شکل می دهند، همچنین وابسته به صورت سیاست‌هایی برای هر منطقه بر پایه همین درک است. در نتیجه، روش‌شناسی‌های متعارف علم اقتصاد «نئوکلاسیکی» و «مارکسیستی» به این کار نمی آید، بلکه باید مناطق را به عنوان یک واحد به درستی مورد تحلیل قرار داده و معین کرد که بازیگران اصلی چه کسانی هستند و اهدافشان چیست تا بتوان بر مبنای آن مشاهدات الگوهای محیطی را در جهت پیشرفت منطقه‌ای ایجاد کرد. همان گونه که اشاره شد در کتاب حاضر، نخست نگاهی جامع به نظریه‌های نابرابری منطقه‌ای و توسعه منطقه‌ای شده و مورد تحلیل نقادانه قرار گرفته است. سپس، گزارشی از دستاوردهای چهار کشور آمریکا، انگلیس، کانادا و استرالیا، در زمینه‌ی توسعه منطقه‌ای عرضه شده و در پایان با بررسی کاربرد نظریه‌ها برای برنامه‌ها و سیاست‌های دولت، روش‌هایی برای تقویت استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای پیشنهاد شده است (Higgins, Savoie: 2009). هترینگتون در کتاب «پیونددهنده انگلستان، چارچوبی برای توسعه‌ی منطقه‌ای» به این نتیجه رسیده است که با علم بر این که زندگی از زمان برنامه‌ریزی ملی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به طور قابل توجهی پیش رفته است، همه از ابتکارات بسیاری که قبلاً صورت گرفته است استقبال کرده‌اند، مانند برنامه‌ی جوامع پایدار دولت ۲۰۰۲ و نتایج مختلفی که از آن سرچشمه می گیرد، مانند راه‌های شمالی و میدلند. همچنین تأکید شده است که مجامع منطقه‌ای و آژانس‌های توسعه‌ی منطقه‌ای (RDA) استراتژی‌های اقتصادی منطقه‌ای را تولید کرده‌اند. اما مجموع اجزای آن‌ها به یک چارچوب ملی شبیه به استراتژی‌های مکانی که ریشه در سرزمین‌های اصلی اروپا، جمهوری ایرلند، اسکاتلند و ولز دارد اضافه نمی شود. جوامع محلی، شهرها و مناطق، حتی هنگامی که به طور جمعی عمل می کنند، نمی توانند اطمینان داشته باشند که برنامه‌ها، استراتژی‌ها و آرزوهای آن‌ها می توانند تحویل داده شوند، مگر اینکه به آن‌ها اطمینان بیشتری داده شود که سازگار با چارچوب وسیع‌تری برای انگلیس باشد (Hetherington, 2016). بالچین و همکارانش در کتاب «برنامه‌ریزی و سیاست منطقه‌ای در اروپا» معتقدند که اتحادیه اقتصادی و پولی، بزرگ‌نمایی قریب‌الوقوع اتحادیه‌ی اروپا، واگذاری قدرت اداری از دولت مرکزی به مقامات منطقه‌ای و افزایش اهمیت موضوعات زیست‌محیطی و شهری، همگی در توسعه یک سیاست یکپارچه سیاست‌گذاری منطقه‌ای و برنامه‌ریزی تأثیر دارند. چنان که در سراسر اروپا و نگرانی از افزایش نابرابری در میزان زندگی و بی‌کاری در قرن بیست و یکم ایجاد شده است. در باب اهمیت این کتاب می توان گفت؛ سیاست و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در اروپا اولین کتابی است که به بررسی تأثیرات و مشکلات پیرامون این موضوعات می پردازد. این کتاب با ارائه‌ی یک مرور کلی درباره ادغام مبنای اقتصادی، به بررسی تکامل سیستم‌های مختلف دولت، برنامه‌ریزی و اشکال انحراف، بررسی اختلافات بین کشورهای واحد با قدرت برنامه‌ریزی متمرکز یا با اشکال مختلف قدرت واگذار شده و ایالت‌های فدرال با برنامه‌ریزی می پردازد. نویسندگان همچنین این سؤال را مطرح می کنند که آیا

تحولات مشابه مشروطیت در کشورهای در حال گذار در شرق در اروپای شرقی رخ خواهد داد یا خیر. همچنین نویسندگان با بررسی مشکلات تأمین بودجه توسعه‌ی منطقه‌ای و ایجاد سطوح مؤثر در تصمیم‌گیری‌های اختصاصی، توسعه‌ی متغیر زیرساخت‌ها و سیستم‌های مدیریت و محیط‌زیست و سیاست‌های گسترده‌تر و اقتصادی و اجتماعی در مناطق شهری در چارچوب اتحادیه اروپا و منطقه‌ای؛ موضوعات کلیدی که در صورت دستیابی به اعتبار و تحقق رشد اقتصادی پایدار و توزیع برابرتر درآمد و ثروت در اروپا، باید موردتوجه قرار گیرد را ارائه می‌دهند (Balchin, Sykora, Bull, 1999). گلاسون و مارشال در کتاب معروف «برنامه‌ریزی منطقه‌ای» خود اشاره می‌کنند که برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک عنصر مهم در سیستم‌های برنامه‌ریزی بسیاری از کشورهای جهان یافت شود. اگرچه تعاریف و ماهیت آنچه برنامه‌ریزی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد، می‌تواند بسیار متفاوت باشد چنان‌که با اشغال یک موقعیت واسطه در سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز می‌تواند گاهی اوقات در یک موقعیت نامناسب قرار بگیرد که بین عناصر اغلب قدرتمند ملی و محلی آن سیستم‌ها فشرده می‌شود. به همین ترتیب، برنامه‌های منطقه‌ای می‌توانند از بین بروند اما آنچه باگذشت زمان قابل توجه است طبیعت ماندگار چنین فعالیتی است زیرا مسائل مهمی وجود دارد که نیاز به این سطح از مداخلات دارد. درواقع این ادعای ماست که با توجه به روندها و موضوعات نوظهور در جامعه معاصر، نیاز به برنامه‌ریزی منطقه‌ای حتی بیش‌تر وجود دارد. گرایش‌های اقتصادی و اجتماعی باعث افزایش تحرک، در زمان روزانه / هفته و در طول عمر می‌شود. درواقع وقتی که الگوهای فضایی تحت تأثیر جریان‌های متمرکز و پراکنده قرار دارند، دیگر منطقی نیست مناطق شهری و روستایی را به‌عنوان سرزمین‌های مجزا در نظر بگیریم چراکه آن‌ها به طرق مختلف با مناطق مختلف در نزدیکی و دوردست پیوند می‌یابند (Glasson, Marshall, 2007)

در جمع‌بندی آنچه در این بخش آمد، می‌توان ادعان داشت که برنامه‌ریزی و توسعه‌ی منطقه‌ای به بخش انفکاک‌ناپذیری از مطالعات بین‌المللی تبدیل شده است و روزبه‌روز جاذبه بیش‌تری می‌یابد. در این زمینه مهم‌ترین برنامه‌های جامع توسعه‌ی ملی با توجه به توان‌ها و محدودیت‌های مناطق مختلف جغرافیایی در سطح منطقه موردتوجه قرار می‌گیرد. حال توسعه‌ی منطقه‌ای که به معنای برآورده نمودن نیازهای نسل کنونی؛ با لحاظ نمودن نیازهای نسل‌های آینده در محدوده‌ای مشخص می‌باشد، درصدد است تا تفاوت‌های کیفیت زندگی درون منطقه‌ای را کاهش دهد؛ بنابراین به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی منطقه‌ای توان ویژه‌ای در عملیاتی نمودن اهداف ملی (آمایش سرزمین) و محلی (توجه به شهرهای کوچک و میانی و تقویت آن‌ها با تزریق تعادل و توازن) ایفا می‌نماید. همچنین بر اساس تجارب به‌دست‌آمده طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای، زمانی بیش‌تر ثمربخش است که در قالب «فرایندی استراتژیک» هدایت شود. همچنین طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای به‌عنوان یکی از آخرین دستاوردهای جامعه‌ی علمی، برای دستیابی به توسعه و تعادل منطقه‌ای به شمار می‌روند. بدین منظور همواره به دنبال ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق طرح گردیده و به‌مثابه‌ی ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود. امری که در شرایط کنونی به علت تمرکزگرایی شدید و بار مسئولیت بالای برخی مناطق و عدم تحرک و رقابت‌پذیری سایر مناطق و عدم توجه به آینده‌پژوهی و پیش‌بینی زمین‌موردنیاز فعالیت‌های آتی، بالأخص با توجه به محدودیت زمین مورد غفلت واقع شده است.

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در باب توسعه‌ی منطقه‌ای، سیر تکامل و آسیب‌شناسی آن‌ها نشان می‌دهد که توسعه‌ی منطقه‌ای و الگوها و استراتژی‌های مستخرج از آن به‌عنوان رویکردی نوین، کارآمد و آزموده شده جهت دستیابی به توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای می‌باشند که شاید چنین دیدی را با نگاهی از درون و جزئی نتوان به دست آورد. جهت فراهم شدن چنین شرایطی و تسهیل در انجام آن لازم است در ابتدا زیر مناطق از درون به‌طور هدفمند مورد هدایت و سامان‌دهی قرار گیرند و از طریق توسعه‌ی هماهنگ، یکپارچه و سرمایه‌گذاری‌های پراکنده در کل منطقه با ایجاد محورهای توسعه موردتوجه قرار گیرد. هم چنان‌که تهیه طرح‌های توسعه‌ی منطقه‌ای در کشورهای

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

مختلف با تفاوت‌های طبیعی، ساختاری، اقتصادی و سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی گواهی بر این مدعاست. همچنین با توجه به تجارب و نمونه‌های بررسی شده این‌گونه استنباط می‌شود که جهت رسیدن به توسعه‌ی متوازن و پایدار منطقه‌ای در ابتدا مستلزم شناخت وضعیت فعلی منطقه می‌باشد، مانند رتبه‌بندی بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، مکانی - فضایی، نهادی - سیاسی، محیطی و زیربنایی و... می‌باشد. در واقع بر اساس نمونه‌های مورد بررسی به نظر می‌رسد که در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی موجود؛ مشارکت اجتماع‌های محلی و توجه مضاعف به زیر مناطق و توانمندسازی استعدادها بالقوه آنان جهت واگذاری برخی از مسئولیت‌های منطقه اصلی، تقویت بخش‌های اقتصادی و مالی، جمعیت و نیروی انسانی، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، بخش منابع، صنعت، خدمات و انرژی، توسعه‌ی فضایی، رشد متوازن منطقه‌ای و سطح بخشی، بهبود در وضعیت منابع بودجه، تلاش برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل‌ونقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، کنترل غلظت جمعیت و... بسیار مؤثر عمل می‌نماید. حال از آنجایی که الگوهای توسعه منطقه ملزم‌اند منعطف عمل کنند و ابدأ قطعی و الزامی دستوری صادر نکنند؛ می‌توان در شرایط مختلف راهکارهای اجرایی متفاوتی را برای الگوهای آن ارائه نمود. همان‌گونه که بیان شد؛ الگوی توسعه‌ی منطقه‌ای با تفکر راهبردی، اجتماع‌محور و انعطاف‌پذیر خود در برقراری تعادل‌های منطقه‌ای بسیار مؤثر است چراکه این‌گونه الگوها تلاش می‌کنند تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری تمامی مناطق بهره‌گیرند و آن‌ها را به بهترین شکل ممکن سازمان‌دهی کنند.

نقد و بررسی تحقیقات پیشین

می‌توان پیشینه‌ی هر پژوهش را به ارثی تشبیه نمود که هیچ وصیت‌نامه‌ای برایش نوشته نشده است. در نتیجه یک پژوهش‌گر در هنگام گام برداشتن در راه طراحی پژوهش خود می‌تواند مطالعات پیشین را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد و از آن‌ها جهت تعالی پژوهش خود بهره‌گیرد. به عبارت دیگر، پس از بررسی تحقیقات پیشین و مروری بر ادبیات تحقیق، نقاط قوت و ضعف این مطالعات در مورد مسئله‌ی پژوهش روشن می‌گردد. در نظر گرفتن نکات مثبت مطالعات پیشین موجب بارورتر شدن پژوهش خواهد شد. مسلماً نقاط ضعف تحقیقات پیشین نیز به پژوهشگر در شناسایی طراحی هوشمندانه‌تر و صحیح‌تر ابعاد و زوایای تحقیق و دوری جستن از اشتباهات گذشته کمک می‌نماید. بنابراین، در قلب کار منتقدانه، گفت‌وگوی دو تاریخ و دو ذهنیت، نویسنده و منتقدان آغاز می‌شود؛ اما این گفتگو به‌طور خودخواهانه به سمت زمان حال منتقل می‌شود؛ انتقاد به معنای «ادای احترام» به حقیقت گذشته یا به حقیقت «دیگران» نیست - بلکه یک آراستگی برای درک قابل‌فهم زمان خود ما است (Barthes, 1963: 6). به تعبیری پس از استخراج نقاط ضعف در مطالعات و کارهای پیشین می‌توان به آسیب‌شناسی آن و شناسایی علل و زمینه‌های بروز آن نیز دست‌یافت. در همین زمینه آسیب‌شناسی مفهومی است که از علوم زیستی به عاریت گرفته شده و در سایر علوم مانند جامعه‌شناسی و اقتصاد به کار گرفته می‌شود که طبق تعریف آسیب‌شناسی عبارت است از مطالعه شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ارگانیسم (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۴). به عبارتی در آسیب‌شناسی مبانی و ریشه‌های کارکردهای نابسامان مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۳). از بعد تاریخی نیز روی دادند و جنگ جهانی و لزوم بازسازی شهرهای پس از جنگ نیز علت دیگری بر ادامه این روند در طول دهه‌های اول قرن بیستم بود (Taylor, 1999: 23). حال برنامه‌ریزی منطقه‌ای که به شیوه‌ی مدرن با انقلاب صنعتی عجین و همزاد است و هم‌زمان با آغاز انقلاب صنعتی به تدریج جای خود را در فضای برنامه‌ریزی کشورها باز کرد، در ایران تحت تأثیر کشورهای اروپایی و فراز و نشیب‌های ادوار مختلف بوده است. بدین ترتیب در ادامه سعی شده است تا به ارائه نقاط قوت و ضعف تحقیقات پیشین اشاره شود.

نقاط قوت تحقیقات پیشین

با توجه به اهمیت مطالعات منطقه‌ای، در این بخش سعی شده است تا به مهم‌ترین نقاط قوت مطالعات منطقه‌ای مطالعه شده اشاره شود و همچنین به ارائه مصادیقی از نتایج آن پرداخته شود.

- ظرفیت نظریه‌سازی را می‌توان از مهم‌ترین نقاط قوت برداشت‌شده از مطالعات پیشین دانست. مطالعات منطقه‌ای ظرفیت منحصربه‌فردی را برای نظریه‌پردازی و تئوریزه کردن مطالعات منطقه‌ای فراهم آورده‌اند و این‌یک توان متدولوژیک است که می‌توان همچنان در حوزه‌ی مطالعات منطقه‌ای منتظر ارائه‌ی نظریه‌های قوی‌تر و مستحکم‌تری بود.

- دومین نقطه‌ی قوت مورد توجه فعالیت‌های بین‌رشته‌ای در این حوزه است. این مهم از طریق فعالیت‌های مشترکی که بین رشته‌های مرتبط فراهم آمده است، قوت می‌گیرد و باعث غنا و همه‌جانبه شدن نظریه‌های ارائه‌شده می‌گردد و از توجه و نگاه تک‌بعدی به آن پرهیز می‌شود. البته اگرچه عدم وحدت متدولوژیک خواه‌ناخواه نقطه‌ضعف قلمداد می‌گردد، اما این امکان را نیز به وجود می‌آورد که در یک موضوع واحد دانشمندان علوم مختلف با استفاده از ابزارهای مطالعات منطقه‌ای با یکدیگر همکاری کنند و این قطعاً نقطه قوتی درزمینه‌ی ارتقا راهکارهای ارائه‌شده خواهد بود.

- نزدیکی حوزه‌های فکری و اجرایی از دستاوردهای قابل توجه در این حوزه است، چراکه معمولاً بین کسانی که درگیر فعالیت‌های اجرایی هستند و کسانی که به مطالعه و پژوهش مشغول‌اند فاصله وجود دارد. میزان این فاصله و شدت و ضعف آن تا حد زیادی به سیستم و ماهیت سیاسی و نهادهای علمی و آموزش آن کشور بستگی دارد که در برنامه‌ریزی منطقه‌ای با توجه به نیاز الزام‌آور هر دودسته از این گروه غالباً حالت ارتباطی دست‌اندرکاران اجرایی و نظریه‌پردازان و محققین دانشگاهی تقویت می‌شود و این دو جزیره دور از هم را به هم نزدیک‌تر نماید. (این مورد پیش‌تر در جوامع توسعه‌یافته نمود دارد)

- طراحی نظام درآمد-هزینه استانی و تأکید بر اجرای آن در برنامه‌های توسعه کشور، تدوین ضوابط ملی آمایش سرزمین، تعیین مناطق نه‌گانه آمایش سرزمین در کشور، تهیه اسناد ملی توسعه‌ی استانی و بعضی از شهرستان‌ها از نقاط قوت و البته از تأکیدات اشاره‌شده در تهیه و تدوین اسناد و برنامه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای است.

- طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای تا حدودی به بهبود روند تعادل‌های بین استان‌ها در بخش‌های امور اجتماعی، تربیت نیروی انسانی کارآمد و متخصص در اکثر استان‌های کشور، روند تکاملی ساختار مالی، سیاسی و اقتصادی نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر استانی، ارتقا و توسعه‌ی نظام داده‌ها و اطلاعات آماری مکانی از مناطق و شهرستان‌های کشور، فراهم شدن ظرفیت‌ها و توسعه‌ی شبکه‌ها و امکانات زیربنایی در اکثر مناطق کشور، اختصاص اعتبارات ویژه و ردیف‌های خاص به‌منظور تعادل بخشی بین استان‌ها در قوانین بودجه سنواتی منجر می‌شوند.

- بر اساس نتایج بسیاری از طرح‌ها و گزارشات؛ یکی از مهم‌ترین و عملیاتی‌ترین نتایج اجرا و برقراری توسعه منطقه‌ای بالا بردن توان و ظرفیت رقابت‌پذیری نواحی وابسته و حوزه‌ی نفوذ بوده است. اهمیت این مسئله بدان جهت است که رقابت‌پذیری و پویایی ساختار ملی را نیز در بر خواهد داشت.

همچنین به‌طور موردی نتایج کاربردی زیر از مجموعه مطالعات مطالعه شده (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) استخراج شده است (تأکید بر ارائه نتایج کلی به‌طور موردی بوده است و از ذکر نتایج جزئی به دلیل ارائه در بخش‌های پیشین صرف‌نظر شده است):

توسعه‌ی اقتصادی مناطق و زیر مناطق، نظم‌بخشی و هدایت توسعه متعادل سکونت‌گاهی، تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه، برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، حمایت از سیاست‌های دولت در زیر مناطق، مدیریت اشتغال، مسکن و زمین در مناطق، بهبود زیربنای توسعه‌ی جهانگردی در منطقه، تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی، حمایت از رنسانس شهری - روستایی، تلاش فزاینده برای کاهش جای پای بوم‌شناختی، انطباق و کاهش

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

عوامل منجر به گرمایش زمین، مدیریت پسماند منطقه‌ای، حفاظت از میراث و ارزش‌های فرهنگی و محیط‌زیستی زیر مناطق، مدیریت منابع آب و مدیریت بحران در منطقه، تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی، در دسترس بودن برخی خدمات عمومی (به‌عنوان مثال آموزشی، اشتغال و خدمات مختلف فنی)، توسعه‌ی فرهنگی، کسب‌وکار و گردشگری محیط‌زیست مشخص و قابل‌اطمینان در مناطق از طریق فعالیت‌های یکپارچه و متنوع، ابتکار محلی و مشارکت، اشتغال، حمل‌ونقل محلی، زیرساخت‌های فنی شهرداری، توجه به‌عنوان تنگناها در طرح‌های توسعه محلی، به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جداشده)، کمک آشکارا به توسعه اقتصادی - اجتماعی (عمدتاً با مشخص کردن ارتباط با یالینک به سایر اقدامات / عملیات و یا برنامه‌ها)، استفاده مجدد از املاک و سایت‌های نظامی و صنعتی قدیمی، بهبود محیط اقتصادی و رشد متوازن در سطح منطقه‌ای و بخشی، بهبود منابع بودجه، تنوع بخشیدن به منابع درآمد و تلاش‌های ویژه‌ای برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل‌ونقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، ارائه‌ی فرصت‌های آموزش و پرورش برای همه و حذف شکاف آموزشی بین مناطق شهری و روستایی، حفظ و توسعه‌ی هویت فرهنگی و هنری، قانون خانواده، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، حقوق سیاسی و ارث، کنترل غلظت جمعیت و ... از مهم‌ترین موارد استخراج‌شده در مجموعه مطالعات و منابع مطالعه شده بوده‌اند.

نقاط ضعف تحقیقات پیشین

چالش‌های اجرایی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تحقق اهداف و فواید اثرگذار آن را در حاله‌ای از ابهام فرورده است و این برنامه‌ریزی کاربردی را در غالب موارد به برنامه‌ریزی کلیشه‌ای و بی‌اثر تبدیل کرده است.

- فقدان یا کمبود فرهنگ برنامه‌ریزی چالش‌جای برای تحقق اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، برنامه‌ریزی شامل چهار مرحله است و تنها به تهیه برنامه محدود نمی‌شود، اجرای برنامه، ارزیابی برنامه و بازنگری برنامه سه مرحله مهم در فرایند برنامه‌ریزی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. نظام برنامه‌ریزی کشور در مرحله‌ی تهیه‌ی برنامه پیشرفت‌های خوبی به دست آورده است، اما همچنان چالش‌های جدی در اجرای برنامه، ارزیابی و بازنگری وجود دارد که بخشی از این مشکل به نبود فرهنگ برنامه‌ریزی در کشور مربوط بازمی‌گردد.

- مدیران کشور علاقه‌مند به تهیه برنامه هستند، اما پایبندی به اجرای آن نیست، این مورد چالشی جدی بر سر راه برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، تغییرات مدیریتی و در پی آن تغییر رویکرد، موجب تغییر در برنامه‌های تهیه‌شده می‌شود درحالی‌که مدیران جدید پایبندی به اجرای برنامه قبلی ندارند. به‌عبارت‌دیگر تغییرات مدیریتی عملاً فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای را با اختلال مواجه می‌کند. این در حالی است که در نظام برنامه‌ریزی کشورهای موفق دنیا چنانچه نظام مدیریتی تغییر کند، مدیر بعدی باید به برنامه قبلی پایبند باشد، بنابراین تغییر مدیریتی نباید به تغییر محتوایی برنامه تهیه‌شده منجر شود.

- نبود توافق ملی در زمینه توسعه کشور نیز از دیگر نقاط ضعف برنامه‌ریزی منطقه‌ای است، وجود نفوذهای ناهمگن که اهداف نامشخص و غیر همسانی برای توسعه کشور دارد، مانع تحقق اهداف برنامه‌ریزی به‌خصوص در سطح منطقه‌ای می‌شود.

- تضاد بین برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا نبود نهاد یا دستگاه اجرایی مشخص، مرتبط و مهم‌تر از همه پاسخگو از دیگر موانع جدی این سطح از برنامه‌ها است. بعضاً دستگاه‌هایی مثل برنامه‌بودجه، راه و شهرسازی، بنیاد مسکن یا جهاد سازندگی در زمینه توسعه کشور اقدام کرده‌اند، اما سازمان یا نهادی که کاملاً بر مبنای برنامه‌ریزی منطقه‌ای شکل گرفته باشد و حوزه‌ی فعالیت و دغدغه‌ی آن تحقق اهداف برنامه باشد، وجود ندارد و

اگرچه در سطح کشور و در سطح استان‌ها وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی وجود دارد، اما برنامه‌ریزی منطقه‌ای به این دو سطح خلاصه نمی‌شود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌تواند یک مجموعه‌ی شهری را شامل می‌شود و در سطوح فراتر نیز به کار گرفته شود. این مشکل در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای که میان دو یا چند شهرستان انجام می‌شود، در غالب مشکل و خلأ مدیریتی وجود دارد، البته فرمانداری هر شهرستان موظف به پیگیری مسائل شهرستان حوزه‌ی خوداست، اما ارتباط کارآمد و مؤثری میان دو یا چند شهرستان وجود ندارد.

- نبود نظام اطلاعاتی و داده‌ای نیز از دیگر چالش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. دستگاه‌های مختلف بر طبق استاندارد مشخص اقدام به تهیه داده و اطلاعات می‌کنند و اطلاعات در سطوح شهری به‌روزتر است، اما در سطوح منطقه‌ای داده‌ها و اطلاعات وضعیت خوبی نداشته و بسیار ضعیف است که در واقع بخشی نگری از دلایل عمده نبود اطلاعات و داده‌های به‌روز است. رعایت سلسله‌مراتب در تهیه و اجرای برنامه‌ریزی منطقه‌ای اهمیت زیادی دارد، این نوع از برنامه‌ریزی باید در سطح کشور تهیه و برنامه‌ریزی و مطالعات مربوط به آن در سطح استان‌ها انجام شود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید از سطوح محلی مثل شهرها، روستاها و سطوح فرا شهری آغاز شود در صورتی که معمولاً فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح محلی اتفاق نمی‌افتد.

جدول ۲. خلاصه‌ای از نقاط قوت و ضعف تحقیقات پیشین

نقاط قوت	نقاط ضعف
ظرفیت نظریه‌سازی	فقدان یا کمبود فرهنگ برنامه‌ریزی چالشی برای تحقق اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای
فعالیت‌های بین‌رشته‌ای در این حوزه	عدم پایبندی به اجرای طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای
نزدیکی حوزه‌های فکری و اجرایی	نبود توافق ملی در زمینه‌ی توسعه کشور
طراحی نظام درآمد- هزینه استانی و تأکید بر اجرای آن	تضاد بین برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا نبود نهاد یا دستگاه اجرایی مشخص، مرتبط و مهم‌تر از همه پاسخگو
بهبود روند تعادل‌های بین استان‌ها در برخی از بخش‌ها	نبود نظام اطلاعاتی و داده‌ای و بخشی نگری
بالابردن توان و ظرفیت رقابت‌پذیری نواحی وابسته و حوزه نفوذ	ضعف و ناکارآمدی در اهداف برنامه‌ها، پراکندگی و فقدان وحدت رویه متدولوژیک، نظام برنامه‌ریزی برنامه‌ها، روند تصویب و نحوه‌ی اجرای برنامه‌ها، ایرادات مربوط به فرایند، محتوا و اجرای برنامه‌ها، نحوه نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها و...

نتیجه‌گیری

امروزه برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای به بخش انفکاک‌ناپذیری از مطالعات بین‌المللی تبدیل شده است و روزبه‌روز جاذبه بیشتری می‌یابد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر نقش و جایگاه دو مفهوم «آسیب‌شناسی طرح‌ها و برنامه‌ها» و «ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای» در قالب (مقاله، گزارش و طرح، رساله، کتب) در سطح مطالعات داخلی و خارجی مورد شناسایی قرار گرفته است. توجه به مناطق و آسیب‌شناسی مطالعات پیشین، شناسایی و واکاوی اصول و مؤلفه‌های اثرگذار و ارائه الگوی توسعه منطقه‌ای مناسب نقش مهمی در ایجاد توسعه‌ی هماهنگ و مدیریت یکپارچه ایفا می‌نماید؛ که هدف نهایی اقدامات نظری و تجربی صورت گرفته به‌طور کلی توسعه‌ی منطقه‌ای یا کاهش نابرابری منطقه‌ای بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که اهم متغیرهای مورد تأکید در مطالعات داخلی و خارجی شامل تحرک و توسعه در سامان‌دهی فضا، الگوی متمرکز و مشارکت حداقلی، مؤلفه‌های الگو (اصول، چارچوب، فرایند مدیریت الگو، پایش و ارزیابی)، هماهنگی در برنامه‌های توسعه و اقدامات توسعه‌ی شهری و منطقه‌ای، ایجاد مناطق مترقی از حیث: اقتصادی، اجتماعی، محیطی و...، استفاده از توان زیر مناطق برای یکپارچه‌سازی، پشتیبانی از شهرها جهت شکوفایی پتانسیل‌های آن‌ها، افزایش رقابت، بهبود سکونت، افزایش پایداری، افزایش کارایی و رشد پایدار اقتصادی

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و .../سجودی و همکاران

بوده است. همچنین مهم‌ترین نقاط قوت برآمده از مطالعات شامل ظرفیت نظریه‌سازی، فعالیت‌های بین‌رشته‌ای این حوزه، نزدیکی حوزه‌های فکری و اجرایی، طراحی نظام درآمد- هزینه استانی و تأکید بر اجرای آن، بهبود روند تعادل‌های بین استان‌ها در برخی از بخش‌ها و بالا بردن توان و ظرفیت رقابت‌پذیری نواحی وابسته و حوزه‌ی نفوذ می‌باشد و همچنین مهم‌ترین نقاط ضعف استخراج‌شده شامل فقدان یا کمبود فرهنگ برنامه‌ریزی چالش‌جدی برای تحقق اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای، عدم پایبندی به اجرای طرح‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای، نبود توافق ملی در زمینه‌ی توسعه‌ی کشور، تضاد بین برنامه‌ریزی بخشی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا نبود نهاد یا دستگاه اجرایی مشخص، مرتبط و مهم‌تر از همه پاسخ‌گو، نبود نظام اطلاعاتی و داده‌ای و بخشی‌نگری، ضعف و ناکارآمدی در اهداف برنامه‌ها، پراکندگی و فقدان وحدت رویه متدولوژیک، نظام برنامه‌ریزی برنامه‌ها، روند تصویب و نحوه‌ی اجرای برنامه‌ها، ایرادات مربوط به فرایند، محتوا و اجرای برنامه‌ها، نحوه‌ی نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها می‌باشد.

منابع

- تمامی، پوریا. (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای در استان‌های ایران، استاد راهنما: کریمی، محمد شریف، استاد مشاور: دل انگیزان، سهراب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، دانشکده‌ی اقتصاد و علوم اجتماعی.
- رستم یقادی، علی بخش. (۱۳۹۸)، بررسی و آسیب‌شناسی تحقق طرح‌های توسعه عمران ملی و منطقه‌ای ایران (منطقه ساحل شمالی در بازه‌ی زمانی دهه ۵۰ الی ۹۰)، استاد راهنما: بخشنده نصرت، عباس، استاد مشاور: رحمانی، محمود، رساله دکتری، دانشگاه عدالت.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، بدری، سید علی و سجادی قیداری، حمدالله. (۱۳۹۰)، بنیان‌های نظریه‌ی برنامه‌ریزی کالبدی مناطق روستایی، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۰)، بررسی آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- زالی، نادر؛ و منصوری بیرجندی، سارا. (۱۳۹۴)، طراحی الگوی روش‌شناختی کاربرد برنامه‌ریزی فرض‌بنیاد در مطالعات توسعه‌ی منطقه‌ای، آمایش سرزمین، دوره هفتم، شماره ۷، صص ۲۵۴-۲۳۱.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۸)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت‌الله؛ و محمدی، علیرضا (۱۳۹۴)، تحلیلی از ویژگی‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی (از ۱۲۸۶ تا ۱۳۹۴)، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۴، صص ۷۳-۹۸.
- زیاری، کرامت‌الله؛ و محمدی، علیرضا. (۱۳۹۶)، مدیریت توسعه منطقه‌ای با تأکید بر ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت‌الله؛ و محمدی، علیرضا. (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی مدیریت برنامه‌های توسعه منطقه‌ای در ایران و انتخاب الگوی مدیریت بهینه، مجله جغرافیا و توسعه منطقه‌ای، سال چهاردهم، شماره ۲۶، صص ۱۹-۲۴.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۸)، سند آمایش استان. (گزارش منتشرنشده).
- ستوده، هدایت اله. (۱۳۷۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ پنجم، تهران، آوای نور.
- سند راهبردی آمایش و توسعه منطقه‌ای در برنامه ششم کشور. (۱۳۹۴)، امور برنامه‌ریزی، نظارت و آمایش سرزمین، تهران، سازمان برنامه‌بودجه کشور.
- شیخی، حجت؛ و شاهپوندی، احمد. (۱۳۹۱)، تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای و سطح‌بندی نظام شهری در منطقه زاگرس، مجله برنامه‌ریزی فضایی، دوره دوم، شماره ۲، صص ۴۰-۲۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- ضرابی، اصغر؛ و موسوی، میر نجف (۱۳۸۸)، بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی: شهر یزد)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره بیستم، شماره ۲، صص ۱۸-۱.
- قادری، محمدرضا (۱۳۹۵)، تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای در ایران با تأکید بر کلان منطقه ساحلی شمالی، استاد راهنما: تقوایی، مسعود، استاد مشاور: شفق، سیروس، رساله دکتری رشته جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، پژوهش‌گاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه، پژوهشکده جغرافیا.
- کلانتری، صمد؛ و گنجی، محمد (۱۳۸۴)، شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران، مجله‌ی سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۱۱-۲۱۲، صص ۱۶۱-۱۴۶.

- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۱). مبانی و اصول برنامه‌ریزی و توسعه‌ی منطقه‌ای، تهران، علم.
- مابوگونج، آل و آر. پی. میسرا. (۱۳۶۸). توسعه‌ی منطقه‌ای، ترجمه: مخبر، عباس، تهران، سازمان به برنامه‌و بودجه.
- مصطفوی ثانی، علی؛ و نعمتی، محمد. (۱۳۹۸). تحلیل آسیب‌شناسانه توسعه متوازن منطقه‌ای در برنامه‌های توسعه‌ی کشور، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، جلد ۷، شماره‌ی ۲۶، صص ۳۱-۶۹.
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی. (۱۳۹۷). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۴)، واکاوی عملکرد دولت در ارتباط با تهیه اسناد آمایش سرزمین.
- نبی زاده شهری، تکت. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و تأثیر آن بر انسجام ملی، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سنندج، انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- نصرالهی، سید نورالله؛ مختاری، حیدر؛ و سیدین، مریم سادات. (۱۳۹۲). فرا تحلیل: رویکردی به تلفیق و ارزشیابی پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره‌ی بیست‌ونهم، شماره‌ی ۲، صص ۲۹۳-۳۱۶.
- وثوقی لنگ، شهرزاد؛ سرور، رحیم؛ و زیویار، پروانه (۱۳۹۶). تدوین استراتژی‌های برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای با استفاده از مدل سوات نمونه موردی استان گیلان، فصلنامه‌ی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره‌ی هفت، شماره‌ی ۳، صص ۲۵۵-۲۷۲.
- Antonio Vazquez-Barquero & Juan C Rodrl guez-Cohard. (2015). Endogenous development and institutions: Challenges for local development Initiatives; Environment and Planning C: Government and Policy, 0(0) 1-19.
- Balchin, Paul, Syroka, Ludek, Bull, Gregory. (1999). Regional policy and planning in Europe, London and New York, ROUTLEDGE.
- Barthes, Rolandi (1963). Search Results Web results, eng5010.pbworks.com.
- Dunford, Michael, 2009, regional development models, international encyclopedia of human geography, pp. 192-201.
- Glasson, John, Marshall, Tim. (2007). regional planning, London and New York, ROUTLEDGE.
- GaREP, spol. s r. o., Vysoké učení technické v Brně. (2007). REGIONAL DEVELOPMENT STRATEGY-South Moravian Region, Concise versin for general public, Published by the Department of Regional Development, the Authority of the South Moravian Region, BRNO
- Hetherington, Peter. (2016) g Connecting England, A framework for regional development) Town and Country Planning Association (TCPA), London.
- Huggins, Robert, Izushi, Hiro, Prokop, Daniel, Thompson, Piers. (2014). Regional competitiveness, economic growth and stages of development, Preliminary communication, UDC 332.14:330.34, vol. 32, 2, PP255-283.
- Huggins, Robert, Izushi, Hiro, Thompson, Pier. (2013). Regional Competitiveness: Theories and Methodologies for Empirical Analysis, The Business and Economics Research Journal, Volume 6, Issue 2, 155-172.
- J. Dawkins, Casey. (2003). Regional Development Theory: Conceptual Foundations, Classic Works, and Recent Developments, Journal of Planning Literature, pp 130-172.
- Koufogiannakis, D. (2012). The State of Systematic Reviews in Library and Information Studies, Evidence Based Library and Information Practice, Vol. 7, No. 2.
- Mastalka, Martin. (2014). theories of regional development, regional development and Governance.
- Nawzad Tawfiq Srhnk Consultant Engineer, 2011, Regional Development Strategy for Kurdistan Region.
- Neil Adams, Neil Harris. (2005). Best practice guidelines for regional development strategies. From: www.interreg-grids.org. Accessed on 18 November 2013.
- PESSOA, Argentino, Economia Faculdade de. (2008). tourism and regional competitiveness: the case of the portuguese douro valley.
- Pike, Andy, Rodríguez-Pose, Andrés, Tomaney, John. (2007) What Kind of Local and Regional Development and for Whom? Regional Studies 41, 09, 1253-1269. DOI: 10.1080/00343400701543355.
- Plummer, P., Tonts, M. Martinus. (2014). K "Endogenous Growth, Economic Restructuring and Local Contingency in the Evolution of a Patchwork Economy: Regional Western Australia, 2001-2011" Journal of Economic and Social Policy 16 (1) 1-31.
- Šabić, Dejan, Vujadinović, Snežan. (2017). REGIONAL DEVELOPMENT AND REGIONAL POLICY, Geografski fakultet Univerziteta u Beogradu. January 2017 DOI: 10.5937/zrgfub1765463V, Collection of Papers - Faculty of Geography at the University of Belgrade 65 (1a).
- Shapiro, Janet. (2001). Overview of Planning toolkits@ civicus.org, 49-52.

واکاوی نقش و جایگاه آسیب شناسی و/سجودی و همکاران

Taylor, N. (1999). Town Planning Social not Just Physical Planning. Planning and Design N 26 . 835-854.

Stimson. R.J;Stough,R.R.&B.H. Roberts .(2002).Regional Economic Development: Analysis and Planning Strategy Berlin Springer.

Torre, Andre,Wallet, Frederic.(2016). Policies of Regional Development and Planning, Regional Development in Rural Areas. Analytical tools and Public policies, Springer Briefs in Regional Science, Springer, 110 p.

UK Department for Regional Development (DRD). (2008). Northern Ireland Regional Development Strategy2025: Shaping our future. Department for Regional Development. Strategic Planning and Co-ordinationDivision. From: www.drni.gov.uk/shapingourfuture/. Accessed on 17 November 2013.

Vazquez-Barquero (2002). Endogenous Development: Networking, Innovation, Institutions and Cities (Routledge Studies in Development Economics) 1st Edition.

Vrtěnová, Lucie, Sobotka, Martin, Malá, Lada .(2009) .MEASUREMENT OF REGIONAL DISPARITIES AND ECONOMICCOMPETITIVENESS OF A REGIONS.

Ziari ,Keramatollah ,Mohammadi ,Alireza .(2016). The Pathology of Regional Development Plans Management in Iran and the Choice of Optimal Management Pattern, Journal of Geography and Regional Development Vol 14, No. 1 (2016) – S.N.26. 18-24.

Žymantas Svetikas, Kostas. (2014). Strategic Planning Forregional Development:An Introductory Textbook, Mykolas Romeris University, www.Mruni.Eu.

